

آثار باستانی پنج کنت

در بہار سال ۱۹۳۲ میلادی چوپانی بہ نام جوہر علی از اہالی دہکدہ خیرآباد در درہ زرافشان علیا، ہنگامی کہ گوسفندان خود را بہ چرا می برد، سیدی یافت کہ در آن یک ورق کاغذ ابریشمی بود کہ بعدہا معلوم شد بہ خط و زبان سغدی است. هیچ کس از اہالی دہکدہ خیرآباد و ہم از اہالی باسواد ناحیہ اورتپہ نمی توانستند نوشتہ را بخوانند. ورق مذکور بیدرتنگ بہ شہر دوشنبہ و در بہار سال ۱۹۳۳ عکس آن برای فریمان ایران شناس نامی شوروی و استاد دانشگاه لنینگراد ارسال گردید. وی اعلام کرد کہ آن ورق بہ زبان و خط سغدی نوشتہ شدہ است. متعاقب آن در کویہ مغ، محل پیدا شدن ورق مذکور، حفاریات آغاز شد و در نتیجہ شمار زیادی اسناد سغدی بہ دست آمد.

این اسناد کہ بہ نام «آرشبو کویہ مغ» یا «آرشبو دیوشیبج» معروف است با ترجمہ آنها در شوروی انتشار یافت. کشف و انتشار مجموعہ اسناد کویہ مغ، نقش مهمی در تحقیقات تاریخی و فرهنگی و زبان و خط سغدی داشت و علاوہ بر این، مطالعہ این اسناد توجہ دانشمندان و باستان شناسان را بہ حوزہ بالا آب دریای زرافشان جلب کرد و باعث اکتشافات دیگر باستان شناسی در ناحیہ سغد یا نای باستانی و شہر باستانی پنج کنت گردید شہر پنج کنت در ۵۶ کیلومتری شرق سمرقند و در متہالیہ وادی زرافشان در جمہوری تاجیکستان قرار دارد. رشتہ کویہای بلند زرافشان در امتداد شمال و

جنوب کشیدہ شدہ و شہر دوشنبہ مرکز جمہوری تاجیکستان را از سمرقند جدا می کند. در ادامہ دیدار از آثار باستانی و ابنیہ تاریخی جمہوریہای تاجیکستان و ازبکستان شوروی، در تاریخ ۲۴ آذر ماہ سال ۱۳۶۹ بہ ہمراہ آقای ابراہیم اسرافیل زادہ راہنمای تاجیکی از سمرقند باہی شہر پنج کنت شدیم. رفتن بہ بلندیہای پوشیدہ از برف زرافشان برای دیدن خرابہہای کویہ مغ کاری بس دشوار بود، ولی بہ اتفاق پروفیسور عبداللہ جان اسحاقی رئیس ہیأت حفاریات پنج کنت کہ در همان محل سکونت دارد، از بقایای شہر باستانی پنج کنت دیدن کردیم.

نامبرده در بارہ کاوشها و خصوصیات آثار و اشیاء کشف شدہ از پنج کنت و همچنین تمدن سغدیان توضیحاتی داد. ویادداشتہای او کہ با خط سیریلیک (روسی) نوشتہ شدہ بود، توسط اسرافیل زادہ بہ زبان فارسی ولی بہ لہجہ تاجیکی بازخوانی گردید. برگردان یادداشتہای پروفیسور اسحاقی و توضیحات شفاهی او توسط نگارندہ تلفیق و تا حدودی بہ فارسی امروزی تحریر شد و ما حاصل آن گزارشی است کہ زیر عنوان «آثار باستانی پنج کنت» از نظر خوانندگان محترم می گذرد.

مہراب اکبریان

تحقیقات در بارہ پنج کنت قدیم در سال ۱۹۴۶ با ہمکاری آکادمیسن علوم اتحاد شوروی، (باباجان غفوراف) تحت رہبری یا کوبوسکی عالم بزرگ، شرق شناس، عضو آکادمی علوم اتحاد شوروی و جمہوری تاجیکستان، شروع شد. یا کوبوسکی تحقیق در خرابہ ہای پنج کنت قدیم را در برنامہ کار خود قرار داد و بہترین باستان شناسان و خاورشناسان از قبیل م. م. دیا کونوف، بلنیستکی، ترناشکین، خانم و رانیہ (معمان)، سیمیرنہ اوا (سکہ شناس) و چند نفر دیگر را بہ ہمکاری دعوت کرد. در آن سالها نعمت اف، جلیل اف، مندل اشتام، بلشکوف دانشجویان دانشگاه... و دیگران با این ہیأت ہمکاری داشتند. دانشمندان نامی جہان مثل لیوشیتز، لوکانین و دیگران نیز چند سال، جداگانہ در این حفاریات شرکت داشتند.

گروہی دیگر از دانشمندان موزہ دوستی ارمیتاژ لنینگراد و همچنین پولاداف، بوب نواف و یعقوب اف از انستیتوی تاریخ آکادمی علوم جمہوری تاجیکستان بہ نام احمد دانش، دانش باستان شناسی خود را در پنج کنت قدیم بہ کار گرفتند.

در همان زمان، ہیأت علمی پنج کنت مرکب از استادان تاریخ بہ رہبری بلنیستکی

مورخ بزرگ و عضو ارشد هیأت علمی پژوهشگاه لنینگراد، و باستان‌شناس آکادمی علوم اتحاد شوروی، کار خود را شروع کردند.

هر سال تعدادی زیاد اشیاء عتیقه از قبیل ظرفهای شیشه‌ای و سفالی، پارچه، مجسمه و آثار هنری را برای نگهداری به بخش باستان‌شناسی انستیتوی تاریخ آکادمی علوم تاجیکستان منتقل و توسط خانم اسحاق اوا عضو علمی این آکادمی - که همسر این جانب است - ترمیم و نگهداری می‌شود.

از سال ۱۹۶۰ این جانب و همسر این وظیفه را عهده‌دار هستیم. هر سال دهه‌ها تن از دانشمندان و دانشجویان دانشکده‌های عالی شهرهای مسکو، لنینگراد و دیگر جمهوریهای اتحاد شوروی، برای تجربه‌اندوختن و مشاهدات علمی باستان‌شناسی به این جا فرستاده می‌شوند، از این رو پنج کنت قدیم دانشگاه آزاد باستان‌شناسان جهان به حساب می‌آید. از سال ۱۹۴۶ تا کنون، کارکنان گروه علمی پنج کنت، شمار زیادی منوگرافی و مقاله را که به موضوعهای: هنر، مجسمه‌سازی، دین، فرهنگ و تجارت این شهر اختصاص دارد منتشر کرده‌اند.

اقتا هنوز سئوالهای بی جواب و نکات مبهم بسیاری باقیمانده است. حفاریات این ناحیه موجب چنین سئوالاتی می‌شود و خود باید به آنها پاسخ دهد.

اساسی‌ترین این سئوالها در اندیشه ما، حیات اجتماعی و اقتصادی و استحکامات و بنای شهر است که دوازده قرن پیش از این ویران گشته است.

از این رو ما مدعی جامع‌الاطراف بودن کارمان، نسبت به شناسایی یادگارهای معماری و هنر مجسمه‌سازی و دیگر مسائل حیات پنج کنت قدیم، نیستیم و از این که گروه علمی پنج کنت همیشه از طرف آقای عاصمی عضو آکادمی اتحاد شوروی و ریاست آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان و همچنین مدیر انستیتوی تاریخ آکادمی علوم تاجیکستان، یاری می‌شود، سپاسگزاریم.

مقدسی جغرافیدان بزرگ ده قرن پیش درباره پنج کنت چنین نوشته است: در ناحیه جنوبی زرافشان غیر از سمرقند شهرهای بزرگ وجود نداشت. مسجد جامع فقط در پنج کنت بود و در اطراف شهر تعدادی زیاد درختان میوه و چهار مغز (گردو) به چشم می‌خورد.

پنج کنت شهری است که در فاصله ۶۰ کیلومتری سمرقند و در ساحل دریای زرافشان قرار گرفته است. در این ناحیه دریایی وجود دارد که به جویبارهایی تقسیم شده و پهنایش به

سه تا چهار کیلومتر می‌رسد. سرچشمه آن ارتفاعات کوه زرافشان است که یکی از بزرگترین منبع‌های آب آسیای میانه به حساب می‌آید.

در ازبکستان ۸۷۷ کیلومتر است که ۳۱۶ کیلومتر آن از حدود تاجیکستان می‌گذرد و در قسمت بالآب آن، امکان ساختن ایستگاههای برقی وجود دارد.

اجداد ماسغدیان، زرافشان را «نمیک» و یونانیان «پاکیتیلان» می‌نامیدند. این نامها به هم نزدیکند.

آب زرافشان قریب یک میلیون هکتار زمین را آبیاری کرده و در ساحل آن زیاده از ۱/۵ میلیون انسان زندگی می‌کنند.

پنج کنت و اطراف آن از زمانهای عصر سنگی (پالئولیتیک) یعنی ۵۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ سال قبل قرارگاه انسان به شمار می‌رفته است. در قرون ۶ و ۵ قبل از میلاد یعنی زمانی که سرزمین سغد در قلمرو دولت هخامنشیان قرار داشت، کشاورزی پنج کنت مشهور بود. مورخان و باستان‌شناسان زمان ما ثابت نموده‌اند که در قرنهای ۴ و ۳ پیش از میلاد، پنج کنت پر نفوذترین و پر جمعیت‌ترین شهر سغد بوده است. شرایط طبیعی، زمینهای حاصلخیز و شاداب که برای کشاورزی بسیار مساعد بوده، دلبری است بر این که پنج کنت و اطراف آن در حیات اجتماعی و اقتصادی کشور سغد موقعیت ممتازی داشته است. در اطراف پنج کنت قلعه‌های قدیمی قائل نظر، زریان پان، قلعه دایره شکل و دیگر یادگارهای مربوط به قرنهای ۴ و ۳ پیش از میلاد کشف شده است. قلعه قائل نظر که با دیوارهای پهن و برجهای مخصوص نگهبانی و تیرکشاها مستحکم شده است، از هنر بلند معماری در نواحی کوهستانی سغد در زمان قدیم حکایت می‌کند.

از قرن اول تا قرن چهارم میلادی پنج کنت مانند مراکند، رگز، سغد و تمام زمینهای بالآب زرافشان در قلمرو دولت کوشانیان بوده در این زمان سغد یکی از نواحی مرفعی آسیای میانه شمرده می‌شده است.

پنج کنت قدیم در سطح سوم دریای زرافشان به فاصله ۱/۵ کیلومتر در جنوب شرقی شهر فعلی پنج کنت قرار گرفته است. این شهر یکی از مهم‌ترین یادگارهای ابتدایی عصر میانگی آسیای میانه به شمار می‌آید.

دیاکوبوسکی کاوشهای پنج کنت را در سال ۱۹۴۷ آغاز نمود و این کاوشها تا سال ۱۹۵۳ ادامه پیدا کرد و پس از آن دیاکونوف استاد تاریخ رهبری را به عهده گرفت. و از

سال ۱۹۵۵ بلنیستکی به این کاوشها ادامه داد.

خرابه های پنج کنت قدیم شامل چهار قسمت جدا از یکدیگر است. این چهار قسمت شهرستان، کهندز رباط و قبرستان نام دارد. البته چنین تقسیمی صحیح نیست، زیرا این قسمتها به همدیگر وابسته اند.

پنج کنت قدیم و توابع آن در بین شهرهای قدیمی ماوراءالنهر از موقعیت برجسته ای برخوردار است، زیرا شهرستان و توابع آن که تا زمان ما در زیر خاک پنهان مانده، آسیبی ندیده است. و به ما این امکان را می دهد که راجع به بنای شهر در ابتدای عصر میانگی تصورات روشنتری داشته باشیم.

پنج کنت قدیم یگانه شهری است که کوهستان تاجیک را از زمین هموار جدا می کند و نام آن در نوشته های مورخان و جغرافیدانان ایرانی و اسلامی دیده می شود. آنها تصرف آسیای میانه را به وسیله اعراب مسلمان در قرنهای ۷ و ۸ شرح داده اند.

آخرین حاکم پنج کنت «افشین دیوشتیج» بوده و این مطلب با مطالعه کتیبه ها و اسناد خطی کشف شده از قلعه کوه مغ اثبات گردیده است.

کهندز پنج کنت که به وسیله رودخانه از شهرستان جدا گردیده، بیش از یک هکتار وسعت دارد، و تا صدر اسلام و تصرف سمرقند مسؤلیت دفاع از شهر را به عهده داشته است. باقیمانده دیوار قلعه نشان می دهد که کهندز از طرف جنوب با دیوار یگانه شهرستان مشترک بوده و یک سیستم دفاعی را تشکیل می داده و از طرف غرب مسؤلیت دفاع از دروازه های مهم شهر را به عهده داشته است.

به جای رودخانه فعلی راه کاروان رو و در طرف شمال غربی و در دامنه تپه ای که کهندز روی آن قرار دارد، چشمه ای جوشان وجود داشته که به نحو خاص وارد قلعه می شده است، و حتی ممکن است راهی پنهانی و زیرزمینی به درون کهندز وجود داشته باشد.

بلندی تپه کهندز تا قبل از شروع کاوشها حدود ۳۰ متر بود. کهندز پنج کنت شبیه کهندزهایی است که در بخارا نیز وجود دارد و از بخش های زیر تشکیل شده است:

ارگ که محل استقرار حاکم و اعیان پنج کنت قدیم بوده، از استحکامات داخلی شمرده می شده است. پیرامون ارگ خانه های بسیار زیبا مخصوص اعیان وجود داشته که هر دوی آنها یعنی لرگ و خانه ها با دیوارهای محکم و پهن محصور بوده است.

کاوشهای باستان شناسی از طرف ترناشکین و استاوینسکی در سال ۱۹۴۷ شروع شد و

تا سال ۱۹۴۸ ادامه داشت. مطالعات آثار کشف شده از پنج کنت نیز از سال ۱۹۶۲ توسط این جانب آغاز گردید و تا سال ۱۹۷۷ حدود ۲/۳ آنها مورد مطالعه قرار گرفت.

مطالعات نشان می دهد که در زمان تصرف پنج کنت به دست اعراب دو بنای بزرگ یکی کوشک و دیگری قصر در حدود کهندز وجود داشته که متعلق به قرنهای ۵ تا ۸ میلادی بوده اند:

کوشک روی دو کرسی بنا شده بود. کرسی اول دارای ۲۶ × ۲۶ متر مربع مساحت و ۲/۵ متر ارتفاع داشته و کرسی دوم دارای ۱۸ متر مربع مساحت بوده است.

بلندی کرسی اول ۸ متر و از خشت خام و گل ساخته شده بود و قصر حاکم در ارتفاع ۱۰ متری بنا شده بود که از حملات ناگهانی مصون می ماند. شاید به همین دلیل است وینسکی آن جا را مناره سکونت حاکم نام نهاده است. دومین بنای بزرگ کهندز دارای تالارهایی بوده که در طرف شرق کرسیها ساخته شده است. مجتمع مذکور دارای تالار اجتماعات و دربار شاه بوده و ۱۲/۵ × ۲۲ متر مربع مساحت داشته است.

تالارهای قصر از طرف غرب و جنوب غربی و شمال به ایوانهایی محدود می شده. از روی آثار باقیمانده نقش و رنگهای بکار رفته در دیوارها، چنین حدس زده می شود که دیوار خانه ها عموماً دارای نقاشیهای شش رنگی بوده و در نقاشیها از رنگهای گوناگون استفاده می شده است.

قصر حاکم از طرف جنوب، شرق و شمال به خانه های اعیان و اشراف پیوسته بوده است. نقش و نگار دیوارها به مرور زمان ریخته است.

با کشف آثار مکتوب در کوه مغ در ابر شهر معلوم می شود که آخرین حاکم پنج کنت، دیوشتیج بوده. از آثار باقیمانده ویرانه های پنج کنت چنین برمی آید که قصر حاکم پنج کنت از نظر زیبایی دست کمی از قصرهای دیگر حاکمان آسیای میانه در قرون وسطی نداشته است.

قبرستان در شمال و شمال شرقی شهرستان واقع است و یکی از قبرستانهای باقیمانده سغدیان به شمار می رود. تا آغاز کاوشهای باستان شناسی قبرستان متشکل از تپه های جداگانه نزدیک به هم بوده است. در حال حاضر در شمال قبرستان محل خشت زنی است و راهی را که به وجود آورده، قبرستان را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می کند. تپه های شرقی دارای نظم خاصی بوده و به فاصله ۴۰۰ متر از دیوار شهر قرار داشته است. تپه های

گروه غربی فاقد ترتیب معین بوده و مساحتش حدود یک هکتار است. یا کوبوسکی معتقد است که تپه‌های غربی که در آنها استودانهای (دخمه‌ها) مردگان یافت شده، متعلق به زرتشتیان بوده است.

کاوشهای باستان‌شناسی قبرستان از سال ۱۹۴۷ آغاز شد و استاوینسکی، بلشکوف و منچاستکا عهده‌دار این کاوشها بودند و ترناشکین سرپرست این گروه از باستان‌شناسان بود. در طی سه سال ۲۹ سردابه کشف شد که از مراسم خاک‌سپاری سفیدبان حکایت می‌کند. در سالهای بعد تحت سرپرستی نعمت‌اف تعداد سردابه‌ها به ۵۰ رسید. تعداد استودانها در سردابه‌ها حکایت از قبور فامیلی می‌کند. هریک از استودانها در سردابی گذاشته شده و با دیوارهایی جدا می‌شده‌اند.

مساحت هریک از این سردابه‌ها از ۴ الی ۵ متر مربع تجاوز نمی‌کرده است. دیوار سردابه‌ها از خشت و گل ساخته شده و ارتفاع آنها به ۲ یا ۳ متر بالغ می‌شده است. در ورودی سردابه شبیه محراب ساخته شده و دارای یک متر عرض و یک راهرو بوده است. این کاوشها حکایت از آن دارد که استودانها مملو از استخوانهای مردگان بوده است. این استودانها، سفالی و دارای سرپوش بوده و بلندای آن هفتاد سانتی متر و محیط آن ۳۰ تا ۵۰ سانتی متر و ضخامت دیوارهایش ۲ یا ۳ سانتی متر بوده و با مجسمه‌ها و نقش و نگارها منقوش شده است.

شرح رسوم به خاک‌سپاری در قبرستان در تحقیقات یا کوبوسکی، بلنیتسکی و استاوینسکی و دیگران موجود است.

رباط در پیرامون شهر و شامل باغ و زمین کشاورزی بوده و در غرب و شمال غربی و در اطراف شهرستان قرار داشته است. مساحت رباط پنج کنت دو برابر شهرستان و متشکل از ۲۰ تپه مجزا از یکدیگر بوده است.

یا کوبوسکی در تحقیقات خود اهمیت کاوشهای رباط را خاطر نشان کرده است. در سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۳ بلشکوف و نعمت‌اف به کاوشهای ده‌تپه اقدام کردند. کاوشها حکایت از آن دارند که هریک از این تپه‌ها خانه‌های کشاورزان بوده و شامل اتاق خواب، آشپزخانه و کارگاه بوده است. در این جا نیز مانند خانه‌های شهری، خانه‌ها دوطبقه بوده و به وسیله پله‌های مارپیچ به یکدیگر متصل می‌شده‌اند.

آثار بدست آمده شامل پولهای رایج و ظرفها و لوازم و آلات زیور و زینت و دیگر اشیاء

آن روزگار بوده است. یکی از کشفیات مهم رباط وجود کارگاه شیشه‌سازی است. این اکتشاف ثابت می‌کند که رباط پنج کنت مرکز تولید کالاهای صنعتی و مرکز تجارت به شمار می‌رفته است.

در سده‌های ۷ و ۸ میلادی رباط کاملاً به شهرستان پیوسته بوده است. کاوشهای پنج کنت این امکان را فراهم می‌آورد تا به معماری خانه‌های ساخته شده پی ببریم.

شهرستان عبارت از خانه‌هایی بوده که با دیوارهایی احاطه شده‌اند. شهرستان در قرن ۵ میلادی ساخته شده و در ربع آخر عصر ۸ میلادی روبه ویرانی نهاده و بامها و دیوارها به درون خانه‌ها فرو ریخته‌اند.

پنج کنت که یکی از مهمترین شهرهای عصر میانگی به شمار می‌رفته به تپه‌هایی از خاک تبدیل شده و از نظرها پنهان گردیده است و پس از گذشت ۱۲ قرن این خانه‌ها توسط باستان‌شناسان کشف شد.

پنج کنت یگانه محلی است که کاوشهای باستان‌شناسی زیادی در آن جا صورت گرفته است. تا کنون حدود ۵ هکتار از شهرستان از زیر خاک بیرون آورده شده است. اما مساحت کلی شهرستان ۱۳/۵ هکتار است. در بخش حفاری شده تحقیقات مهمی صورت پذیرفته است. کوچه‌ها و معابر شهر گشوده شده‌اند و می‌توان رفت و آمد مردم و نوع ارتباط شهری را تا حدودی مشخص کرد. ساخت معابر و کوچه‌ها کمکی بزرگ به شناخت نوع بافت شهرسازی می‌نماید. شهرستان متشکل از گذرهای گوناگون و به یکدیگر پیوسته بوده است. ساخت خانه‌ها با یکدیگر تفاوت داشته و دارای طبقات گوناگون بوده است. در دو طرف کوچه‌ها، دکانها و کارگاهها قرار داشته که این دکانها از یک طرف به کوچه و از طرف دیگر به خانه راه داشته است.

در سرچهارراهها بازارها و کارگاههای هنرمندان و تجارتخانه‌ها و در شمال شهرستان دو آتشکده به هم پیوسته قرار داشته که بخش وسیعی از مساحت شهر را اشغال کرده است. کشفیات پنج کنت این امکان را فراهم آورد تا یکی از آتشکده‌های سفیدبان با چنین معماری پیشرفته در آن دوران شناخته شود.

آتشکده‌های پنج کنت با معابد و آتشکده‌هایی که در حدود آسیای میانه و ایران زمین ساخته شده‌اند فرق دارد. آتشکده‌های پنج کنت متشکل از مجموعه‌ای از بناها و صحن بزرگی بوده است.

بناها از تالاری چهارستون و باز تشکیل شده و یک راهرو سرپوشیده از سه طرف خانه‌ها را احاطه کرده است. این خانه‌ها و تالار مرکزی از طرف شرق به ایوانی که دارای شش ستون بوده است، می‌پیوندد. در صحن آتشکده بقایای درخت توت و انگور یافت شده است. صحن آتشکده با دیوارها و بناهایی محصور بوده و هریک به کاری اختصاص داشته است. در سمت شرقی میدان آتشکده، ایوانی دراز و نیز دروازه‌ای قرار داشته است.

مشخص کردن نوع کارگاه‌های هنرمندان و سوداگران هنوز دشوار است، زیرا کمتر وسیله و کالایی به جا مانده است. در عین حال می‌توان نوع بعضی از کارگاه‌های هنری را مشخص کرد. باقیمانده تجهیزات و لوازم مانند کوره‌های آهنگری، زرگری، قالب‌های زرگری و وسایل قالب‌گیری تا کنون مشخص شده است.

می‌توان گفت که در رباط، کارگاه تولید شیشه نیز وجود داشته است. محصولات شیشه‌ای بدست آمده در پنج کنت حاکی از آن است که نه تنها ظرف‌های معمولی شیشه‌ای بلکه کوزه‌ها و پیاله‌ها و مجسمه‌های شیشه‌ای نیز ساخته می‌شده است.

صنعت سفالگری نیز بسیار رایج بوده است. هرچند تعداد کارگاه‌های سفالگری کم است، اما حدس زده می‌شود که آنها بیشتر در یک محل خاص خارج از شهر قرار داشته‌اند. اسباب و آلات ریسنده‌گی و بافندگی در پنج کنت باستانی بسیار یافت شده است. از روی آنها می‌توان خلاصه‌ای از صنعت بافندگی را مشخص کرد.

چنین به نظر می‌رسد که صنعت ابریشم‌سازی نیز رواج خاص داشته است. یافتن خمره‌های مخصوص پختن پیله و دستگاہ‌های ساخت ابریشم گواه بر این مدعا است. باقیمانده چوب‌های کنده کاری شده روی ستون‌های چوبی حکایت از پیشرفت صنعت تجاری دارد. بطور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد که از نظر صنعت و مهارت، مردم سغد در آسیای میانه مقام مهمی را دارا بوده‌اند.

نتیجه کاوش‌ها حاکی است که فعالیت‌های تجاری از رونق خاص برخوردار بوده است. از منابع بدست آمده و آثار مکتوب چنین برمی‌آید که آسیای میانه محل رفت و آمد کاروان‌های تجاری بوده است و بازیافت‌های پنج کنت نوع روابط تجاری با کشورهای همسایه را مشخص می‌سازد. سکه‌های مسی یافت شده دلیل بر رونق تجارت پنج کنت با شهرهای آسیای میانه می‌باشد. این سکه‌ها بیشتر در خود پنج کنت ضرب می‌شده‌اند.

سکه‌های مسی و نقره‌ای که در دیگر نقاط آسیای میانه از جمله قزاقستان، خوارزم،

تاشکند، سمرقند و بخارا ضرب شده‌اند، در این جا یافت می‌شوند. این خود دلیلی بر رونق تجارت داخلی و خارجی تجار سغدی در پنج کنت می‌باشد.

سنگ‌های گوناگون ترازو که دارای علامت‌های مشخص کننده وزن‌ها می‌باشند نیز به دست آمده، حتی حجم و گنجایش بعضی از ظروف سفالین روی آنها مشخص شده است.

کاوش‌های قسمت‌های مختلف پنج کنت به ما امکان می‌دهد که صنعت معماری پنج کنت قدیم و خصوصیت اساسی آن را بسیار روشن تصور نماییم.

مصالح اساسی ساختمان شهر، خشت خام راست گوشه به اندازه‌های مختلف، ۵۰×۲۵، ۱۰×۱۲، ۹×۲۴×۴۸ سانتی‌متر و حجم دیوارهای گلین از ۸۰×۸۰ تا ۱۰۰×۱۰۰ سانتی‌متر بوده است. در بعضی موارد گنبدها را از خشت خام می‌ساخته‌اند. به غیر از این ده‌ها تالار با سقف چوبی که آنها را چهارستون محکم نگهداشته، دیده می‌شود.

متخصصان از روی صنعت معماری پنج کنت، این روش خانه‌پوشی را شکل دروازی می‌نامند. که روشی از میانه تالار به آن داخل می‌شود. سنگ خیلی کم در ساختمان استفاده شده و گاهی آنها را زیر ستون‌ها گذاشته‌اند. خشت‌های پخته شده پهن و بزرگ حجم بوده‌اند. با آنها خانه‌ها را فرش می‌کرده‌اند. ولی این گونه کف‌پوش خیلی کم دیده می‌شود.

بناهای مسکونی دو طبقه و حتی در بعضی جاها سه طبقه بوده و به نسبت موقعیت اجتماعی صاحبانشان، بزرگی، طرح و آرایش داخلی آنها از یکدیگر متمایز هستند. خانه‌های صاحب‌منصبان از تالار بزرگ با نقش و نگار بسیار ساخته شده است. این تالارها با نقاشی‌هایی به رنگ‌های گوناگون و با کنده کاریها در سقف و درهای ورودی زینت داده شده‌اند.

اطراف تالارها را خانه‌های رواق شکل و گاه با دیوارهای منقوش و به هم پیوسته احاطه کرده‌اند. این خانه‌ها به وسیله در ورودی جداگانه به آشپزخانه، تنورخانه و انبار مرتبط هستند. در عمارت‌های پنج کنت، پله مدور نیز دیده می‌شود. به وسیله این پله‌ها با ۳ یا ۴ گردش در اطراف ستون چهارگوشه گلین به طبقه دوم و سوم عمارت و حتی به پشت‌بام می‌رفته‌اند.

طبقات بالایی ساختمان نسبت به خانه‌های زیرین بیشتر خراب شده‌اند. اما باقیمانده آنها را در همه بناهای کاوش شده شهر می‌توان دید. که بیشتر آنها خانه‌های مسکونی بوده‌اند.

خانه‌های مردم عادی و خدمتکاران نسبت به خانه‌های طبقات بالا از جهت حجم و آرایش فرق داشته و خیلی عادی می‌باشند. این خانه‌ها تالار پر نقش و نگار ندارند ولی دو طبقه هستند. مهمترین خصوصیت ساختمان پنج کنت در آن است که صحن حیاط خانه‌ها از یکدیگر جدا نیستند. زیرا برای ساکنان شهر عصر میانگی فقط جای خانه در نظر گرفته می‌شود و بس. این گونه ترتیبات را در تمام شهرهای عصر میانگی آسیای میانه می‌توان دید. بناهای بیرون شهر یعنی رباط از روی ساختمان با بناهای متعلق به مردم عادی شهر فرق کمی داشته است. خصوصاً یگانگی آنها در این است که مانند بناهای داخل شهر دو طبقه هستند. ولی صحن حیاطشان بسیار وسیع بوده است.

در این گزارش شرح همه بازیاافتهای پنج کنت غیر ممکن است. ما فقط پدیده‌های اساسی آنها را به قدر امکان شرح می‌دهیم و شما را با آثار فرهنگی قرنهای ۵-۸ میلادی اجدادمان سغدیان آشنا می‌کنیم.

همیشه در ضمن کاوشهای باستان‌شناسی یادگارهای آسیای میانه و کشورهای شرقی و از آن جمله پنج کنت در بین بازیاافتها، ظرفهای سفالی جای مهمی را در بر می‌گیرد. استفاده از بعضی ظرفها خیلی گوناگون و مهم هستند. مردم قدیم ظرفهای خوراکی پزی و غذاخوری را با شکلها و حجمهای گوناگون می‌ساخته‌اند. بعضی از این ظرفها با گل ساخته شده و برای نگاهداری غله، آب و روغن مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.

شکل بسیاری از ظرفهای سفالی از آن جمله ظرفهای غذاخوری و آب‌نوشی بسیار زیبا بوده و با نقش و نگارهای گوناگون و مهر و نشانه‌ها آرایش می‌یافته‌اند.

خصوصیت اساسی اینها در این است که شکل بسیاری از ظرفها همانند ظرفهای مسی، نقره‌ای و طلائی است. البته شهرنشینان و طبقه اعیان بیش از همه به این گونه ظرفها احتیاج داشته‌اند، ظرفهای بلوری به سبب نفاست خود بسیار از بین رفته‌اند. با این وجود باقیمانده آنها کم نیستند. در خرابه‌های پنج کنت اسباب و وسایل آهنین بسیار یافت می‌شود. آنها ما را با نمونه‌های گوناگون براق، اسلحه و لوازم اسب و ارابه و دیگر اسباب حیات سغدیان آشنا می‌کند و اطلاعاتی درباره ترقیبات روزگار سغدیان در اختیار ما قرار می‌دهد. گوشواره، انگشتری، دستبند، آینه، دسته گنکاری شده شمشیر، کارد، حلقه کمر بند و دیگر اسباب یافته شده مسی و برنجی برای زینت استفاده می‌شده است.

اشیاء فلزی گرانبها خیلی کم بوده است. و اندکی هم که باقی مانده حاکی از

پیشرفت صنعت طلاسازی است. کلکسیون مهره‌های سنگهای گرانبها از قبیل عقیق، فیروزه، لاجورد، مرمر و لعل و همچنین استخوان پاره‌ها که رویشان کنده کاری کرده‌اند، به اندازه‌های مختلف - به دست آمده‌اند.

باید در نظر داشت که اشیاء مذکور از بازیاافتهای مدنیت پنج کنت قدیم خیلی زیاد نیستند، زیرا در هنگام ویرانی شهر پنج کنت همه مردم شهر به کوهستان و روستاهای دور دست کوچ کرده‌اند و این عمل باعث نابودی و پراکندگی اشیاء و دیگر آثار تمدن گردیده است.

دلیل دیگر نابودی آنها در آن است که بسیاری از آثار هنری مردم شهر در زیر توده‌های خاک فرورفته خانه‌ها باقی مانده‌اند. البته فلزات از تأثیر خاک، زنگ زده و خورده شده‌اند و پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای و پشمی تماماً پوسیده و نابود شده‌اند.

در عین حال ما اقسامی از آنها را که در پنج کنت بافته شده‌اند، پیدا نموده‌ایم. پارچه‌های ابریشمی قلعه مغ با نقش و نگار از صنعت بند هنرمندان و دستگاههای بافندگی عصرهای ۷ و ۸ بالآب وادی زرافشان حکایت می‌کند.

یادگارهای صنعت تصویری پنج کنت قدیم می‌تواند شرح کامل مدنیت مردم شهر را ارائه دهد. آنها ما را با سر و لباس، نقش و نگار پارچه‌ها و از آن جمله با گلیم و پلاسهای آن زمان آشنا می‌نمایند. علاوه بر این آشنایی ما را به نمونه‌های صنعت زرگران و مسگران نیز بسیار غنی می‌سازند.

در نگارندهای دیوارهای پنج کنت قدیم، تصاویر زیاد براق و اسلحه دفاعی و جنگی را می‌توان دید. تصویر ظرفهایی از طلا و نقره، تصویر تخت حاکم با تزیینات و شکلهای گوناگون حیوانات و نباتات خیلی استادانه خلق شده‌اند. یادگارهایی را که تا روزگار ما باقی نمانده‌اند، از روی صنعت تصویری روی دیوارها می‌توانیم کامل کنیم.

لازم است گفته شود که در نتیجه مقایسه اسباب و وسایلی که از زیر خاک به دست آمده، معلوم می‌شود که نقاشان سغد حیات و زندگانی مردمشان را عیناً با تمام هستی و ظرفتهایشان توانسته‌اند به تصویر بکشند. اکنون راجع به تصویر حیات معنوی مردم شهر سخن می‌گوییم:

درباره گسترش خط و زبان سغدیان، اسنادی که در قلعه مغ کشف شده‌اند، اطلاعات کاملی به ما می‌دهند. خطهایی که به زبان سغدی بر روی سفالپاره‌ها، سنگها، چوبها و

اندودخانه‌ها در پنج کنت قدیم و دیگر یادگارهای باستان‌شناسی آسیای میانه نوشته شده درباره گسترش زبان و خط سغدیان در قرنهای ۸-۵ گواهی می‌دهند. آنها خطها را با رنگ سیاه غلیظ می‌نوشتند. آثار خطی دریافت شده از قلعه مغ از جهت معنا و مضمون خیلی گوناگونند.

ضروری است که از نوشته‌های اداری، اسناد حقوقی مثل عقد نکاح و اجاره و اسناد کشاورزی و مالی نامبرده شود. متن بعضی از نوشته‌ها معنی تقویمی دارند. اولین بار شکل تمام حروف الفبای سغدی در پنج کنت به دست آمد. تمام الفبای سغدیان بر روی قطعه‌ای سفالی نه آنقدر بزرگ به ترتیب نوشته شده است. در پایان ما ساخت کلمه‌ها و یک جمله کامل را می‌خوانیم. مدتی است که سغدشناس کشورمان لیوشتیزبه آموزش و تحلیل این یادگار خطی مشغول است. بطوری که این محقق می‌گوید، الفبای پنج کنت خواندن همه آثار سغدی را خیلی آسان می‌کند.

این گونه نوشته‌ها در تمام یادگارهای خوارزم، زرافشان، چاچ، استرافشان و حتی در ختای شرقی (چین) یافته شده‌اند.

همه اینها بار دیگر یگانگی و بزرگی مدنیت سغدیان را در قرون ۸-۵ نشان می‌دهند. این آثار خطی شاهد آن هستند که بسیاری از کتب دینی بوداییان، مانویان و نصرانیان به زبان سغدی ترجمه شده‌اند. که در دیف آنها متون طبی و اخترشناسی نیز دیده می‌شود.

ابوریحان بیرونی که دانش همه روزگار بشری رهین منت اوست. اولین مرتبه درباره زبان و خط سغدی اطلاعات تاریخی داده و آن را زبان مردم تمام آسیای میانه نامیده است. باز یافته‌های ترکستان شرقی (چین غربی و ولایتهای شرقی قزاقستان) شامل قسمتهای نقل و روایت‌های داستانی بوده و به زبان سغدی نوشته شده‌اند. در آنها ما خصوصیت قهرمانان شاهنامه فردوسی مثل رستم، روایات هندیان از پنج‌تترا (کلیله و دمنه) و قصه‌های ایزوب را می‌خوانیم که همه آنها را در علم باستان‌شناسی بسیار روشن نشان می‌دهند.

اینک دلایلی در دست داریم که بگوییم این متن‌ها برای مردم وادی زرافشان شناخته شده بوده‌اند. زیرا نقاشان پنج کنت قدیم، موضوعهای خلق شده بر روی دیوار خانه‌ها، تالارها و معابد این شهر را از صحیفه‌های آثار بدیعی خطی جستجو کرده‌اند.

طی سی سال اخیر، کاوشهای زیاد باستان‌شناسی در آسیای میانه به هنر تصویری این سرزمین باز یافته‌های زیادی را افزوده است. اگر تا ابتدای سالهای ۳۰ هنر قرنهای ۸-۵ را از

روی آثار کوچک مثل مجسمه‌های کوچک و تصویر نگارنده‌های گلین دیواره استودانهای مردگان تصور می‌نمودیم، ولی اینک ما بهترین و عالی‌ترین آثار هنر نقاشی، مجسمه‌سازی، چوب‌کاری و دیگر نموده‌های هنرمندی را داریم. در بین آنها جای مهمترین آثار را نقاشی پنج کنت قدیم اشغال می‌کند.

در پنج کنت سه شکل هنر مجسمه‌ای یعنی نقاشیهای بسیار رنگی روی دیوارها، چوبهای کنده کاری شده و مجسمه‌های گلی یافت شده‌اند.

حالا دهها خانه هستند که در دیوارهایشان نقاشیها و یا آثار دیگر هنری به چشم می‌خورد. دیوارهای معابد و خانه‌های مسکونی شهروندان، با رنگهای گوناگون زینت یافته‌اند. نقاشیها تمام روی دیوارها را از بالا تا پایین فرا گرفته‌اند. اکثر خانه‌ها آنچنان با نگارندهای زینت یافته‌اند، که ترتیب و کثرتشان آنها را به تالار نقاشی مانند کرده است. البته مقداری زیاد آثار نقاشی که در قرنهای ۸-۵ بزرگترین گنجینه هنر نقاشی به شمار می‌رفته، تا زمان ما باقی نمانده‌اند. هر قسمتی که باستان‌شناسان کشف می‌کنند. گنجینه آثار آنها محسوب می‌شود. بسیار خانه‌های پر از نقش و نگار در نتیجه حریق از بین رفته‌اند، در آن خانه‌هایی که از سوختن ایمن مانده‌اند، سائهای زیاد نقاشیها زیر خاک پنهان بوده‌اند و تا زمان ما برخی باقی مانده‌اند.

با وجود این، قسمتهایی که در اختیار باستان‌شناسان قرار می‌گیرد از جهت مقدار بسیار زیادند.

شکل دیگر آثار هنری، کنده کاریهای روی چوب است. باقیمانده آنها را ما در خانه‌هایی که از سوختن ایمن مانده‌اند پیدا کرده‌ایم. در این خانه‌ها مقدار زیادی شکلی کنده کاری بطور کامل خاکستر شده و یا به زغال تبدیل شده‌اند. معلوم می‌شود که خاک بام دیوارهای فرو افتاده، آتش را خاموش کرده است. قسمتی از سقفها و ستونها و چوبهای کنده کاری شده تا زمان ما باقی مانده‌اند. در خانه‌هایی که نسوخته‌اند، همه آثار چوبی با خاک آمیخته شده‌اند. با وجود این آثار کنده کاری روی چوبها در بسیاری از خانه‌ها دریافت شده‌اند. آنها درباره گسترش هنر کنده کاری گواهی می‌دهند.

مجسمه‌های گلین فقط در در ورودی یکی از معابد پیدا شده است. صفت خاصی آثار هنری پنج کنت قدیم را ما در گوناگونی مضمون آنها می‌بینیم. در هر یک از نمونه‌های آن، ما موضوعی نو و علی‌حده می‌بینیم، یکی از این گونه موضوعها که نقاشان ترسیم نموده‌اند

معنی داستانی دارد. زیرا در یکی از آنها صحنه به جنگ رفتن یک پهلوان با سپاهانش تصویر شده است. ما با کمال اطمینان می‌توانیم بگوییم که نقاش با این شکل عمومی، صحنه یورش قهرمان مشهور داستانی (رستم) را که زیاده از دو قرن بعد در کتاب شاهنامه فردوسی آمده، تصویر نموده است.

تصویر صحنه جنگ زنان جنگاور، نیز معنای قدیم داستانی داشته و افسانه‌های آمازونها را به خاطر می‌آورد.

در یادگارهای هنر تصویری پنج کنت مراسم دینی نیز تصویر شده‌اند. در این تصویرها پرستش منبعهای روشنایی مثل آفتاب و مهتاب و آتش جای مخصوص را اشغال کرده است. در آثار هنری پنج کنت، مراسم اعتقادی ادیان هندی (شیوا) نیز تصویر شده است. در این آثار همچنین صحنه‌های بزم و بازیهای ورزشی، موضوعهای فولکلوری و داستانهایی درباره حیوانات زیاد دیده می‌شوند. ما درباره زبان سعدی وجود ترجمه داستانهای پنجانترای هندیان و مثلهای ایزوب یونانی را خاطرنشان کردیم. تصویرهایی که به نقل و روایتها تخصیص داده شده‌اند، اهمیت زیاد تاریخی و مدنی دارند. آنها برخورد مدنیت شرق و غرب را که خاص تاریخ کهن آسیای میانه است، منعکس می‌سازند.

سیاحت را در پنج کنت قدیم به آخر می‌رسانیم و قید می‌کنیم که هنر تصویری پنج کنت از همه یادگارهای ابتدای عصر میانگی آسیای میانه جلوفتاده است. نقاشان چیره‌دست چندین هکتار روی دیوارهای تالارهای حاکمان و طبقات اعیان شهر، معابد و خانه‌های مسکونی نقاشی کرده‌اند.

پنج کنت قدیم بهترین خزینه نگاهدارنده آثار تمدن سعدیان یعنی اجداد تاجیکان امروزی به شمار می‌رود، و با تمام یادگارهای مدنیت، معماری و هنر در حال حاضر یادگار دایرة المعارف مانندی به حساب آمده و در آموزش تاریخ گذشته تمام مردم آسیای میانه نقش بزرگی بازی کرده و بازی می‌کند.